

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

# شرح و بررسی چهل قصیده دشوار و شرح نشده دیوان ناصر خسرو قبادیانی

به وسیله‌ی  
راضیه جعفری

استاد راهنما  
جناب آقای دکتر نجف جوکار

استادان مشاور  
سرکار خانم دکتر زهرا ریاحی زمین  
جناب آقای دکتر محمدحسین کرمی

اسفند ماه ۱۳۹۱

به نام خدا

اظہارنامہ

اینجانب راضیہ جعفری دانشجوی رشته ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی اظہار می کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته ام. هم چنین اظہار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: راضیہ جعفری

تاریخ و امضاء:

## سپاسگزاری

سپاس و ستایش خداوندی را که دایگان ابر بهاری را نوازشگر گلبرگ های شقایق نمود و به من توفیق علم اندوزی داد تا از محضر معلمان و استادان عزیز کسب فیض نمایم.

از زحمات استاد فرزانه و بزرگم جناب آقای دکتر جوکار که به عنوان استاد راهنما ، مشفقانه مرا از ابتدا تا انتهای این پایان نامه یاری فرمودند و با سعه ی صدر ، وجدان کاری ، تواضع و دلسوزی در همه حال پاسخگوی سوالاتم بودند و نه تنها از نظر علمی استاد و راهنمایم بودند بلکه هر رفتار و سخنشان برایم درسی از زندگی بود و استادان ارجمند سرکار خانم دکتر ریاحی و جناب آقای دکتر کرمی که مرا از هدایت علمی خود بهرمنند ساختند و با دیدی موشکافانه و تخصصی این پایان نامه را نقد و بررسی نمودند صمیمانه سپاسگزارم.

زحمات پدر و مادرم را ارج می نهم و از زحمات دلسوزانه ی همسر فداکارم، سپاسگزارم زیرا وقت و توجه ای را که باید صرف آنها می کردم ، صرف پایان نامه ای نمودم که اکنون به پاس صبوری و همدلی هایشان ، به آنها تقدیم می کنم.

## چکیده

### شرح و بررسی چهل قصیده شرح نشده دیوان ناصر خسرو قبادیانی

به کوشش

راضیه جعفری

ناصر خسرو ، از مشاهیر بزرگ نظم و نثر ایران است که مطالعه ی اشعار و درک معانی و مضامین شعری او نیازمند به داشتن اطلاعات وسیع و گسترده ای از اصطلاحات و تعابیر و علوم مختلف می باشد، همچنین این اشعار از زندگی در جامعه ای مایه گرفته که قرن هاست در غبار زمان محو شده است . بنابراین بسیاری از دقیق و ظرایف اندیشه ها و کلام او زمانی آشکارتر می گردد ، که به شرح و بررسی اشعار او بپردازیم . تاکنون شروح بسیاری برای درک راحت تر قصاید ناصر خسرو نوشته شده است. اما همچنان نکات مبهم و قصاید شرح نشده ی زیادی باقی مانده است. در این پایان نامه کوشیده ایم با توجه به معنای واژگان دشوار و بررسی عقاید و افکار شاعر؛ چهل قصیده از دیوان ناصر خسرو که تا کنون شرح نشده ، بررسی و تحلیل کنیم. این پایان نامه در چهار فصل تنظیم گردیده است:

فصل اول: با عنوان مقدمه و کلیات، شامل مقدمه ، اهداف تحقیق، ضرورت تحقیق، پیشینه و روش تحقیق است.

فصل دوم: در بر دارنده ی تاریخچه ی اسماعیلیه ، شرح احوال و اندیشه های ناصر خسرو، محتوای قصاید و ویژگی های لفظی و ادبی اشعار ناصر خسرو است.

فصل سوم : به شرح و بررسی چهل قصیده ی بلند و شرح نشده از دیوان ناصر خسرو اختصاص دارد که در این بخش ، ابتدا توضیح مختصری درباره ی قصیده آورده شده است و وزن قصیده ذکر گردیده ، سپس اصل بیت آورده شده و به واژگان و ترکیبات و معنی و آرایه های ادبی ابیات پرداخته ایم و برخی ابیات که نکته ی خاص سیاسی ، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی و مذهبی داشته اند را توضیح داده ایم.

فصل چهارم: به نتیجه گیری اختصاص دارد که شامل نکاتی است که به طور اختصاصی از شرح چهل قصیده دریافته ایم از جمله تأثیر مذهب اسماعیلیه بر اشعار، دیدگاه شاعر به دنیا، وصف طبیعت.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول: مقدمه</b>	
۲	اهداف تحقیق .....
۳	اهمیت و ضرورت تحقیق .....
۳	پیشینه ی تحقیق .....
۶	روش تحقیق .....
<b>فصل دوم: ناصر خسرو و اسماعیلیه</b>	
۸	۱-۲- اوضاع سیاسی و اجتماعی و دینی قرن ۵ هجری .....
۹	۲-۲- اسماعیلیه .....
۱۳	۳-۲- شرح احوال و زندگی ناصر خسرو .....
۱۶	۴-۲- اندیشه ها و عقاید ناصر خسرو .....
۱۶	۱-۴-۲- تأویل .....
۱۷	۲-۴-۲- امامت .....
۱۸	۳-۴-۲- حدود عالم هستی .....
۱۸	۴-۴-۲- معاد .....
۱۸	۵-۴-۲- عقل .....
۱۹	۶-۴-۲- نفس .....
۱۹	۵-۲- معرفی آثار ناصر خسرو .....
۲۰	۶-۲- محتوای قصاید ناصر خسرو .....
۲۱	۱-۶-۲- اخلاق .....
۲۲	۲-۶-۲- انتقاد .....
۲۳	۳-۶-۲- مدیحه .....
۲۳	۴-۶-۲- وصف طبیعت .....
۲۴	۵-۶-۲- شکواییه .....
۲۵	۶-۶-۲- مفاخره .....

۲۵ ..... ۲-۷- ویژگی های لفظی شعر ناصر خسرو

۲۷ ..... ۲-۸- صور خیال در شعر ناصر خسرو

۳۵ ..... فصل سوم: شرح قصاید

۴۰۸ ..... فصل چهارم: نتیجه گیری

۴۱۰ ..... منابع و مأخذ

## علائم و اختصارات

لغت نامه دهخدا: لغ

فرهنگ معین: معین

فرهنگ بزرگ سخن: سخن

آندراج: آند

ناظم الاطباء: ناظم



# فصل اول

## مقدمه

حکیم، ابو معین، ناصر، فرزند خسرو قبادیانی، معروف به ناصر خسرو علوی، از شاعران بلند پایه و از مفاخر ایران به شمار می رود. از آثار منظوم و منثوری که از وی در دست داریم، پیداست که او دانشمندی متدین و در اعتقاد به آیین شیعه ی فاطمی سرسخت است. وی در شمار نخستین متفکرانی است که کوشیده اند مفاهیم فلسفی و کلامی را به زبان پارسی کنند، نظریات دینی و فلسفی ناصر خسرو به اشکال مختلف در دیوان او بیان شده است. با وجود این، بی گمان او یکی از فصیح ترین گویندگان ایران است که معنی را فدای لفظ نمی کند و اغلب بدون پیچ و خم استعارات و تشبیهات، مطلب خویش را ادا می کند که البته این موضوع در برخی موارد موجب ایجاد تعقید معنوی در کلام می شود. با این حال آثار او بنا به دلایلی در میان مردم جامعه شهرت چندانی نیافته است و این موضوع از یک سو به دلیل گرویدن وی به مذهب اسماعیلیه است که دسته ای از پیروان این مذهب به نام ملاحده، مورد نفرت و لعنت شیعه و سنی بوده اند و آثار ناصر خسرو نیز در اثبات و تأیید این مذهب بوده است و از سوی دیگر آثار او در موضوعات مشکل کلامی، حکمی، دینی و فلسفی است که برای مردم عامی، قابل هضم نبوده است. علاوه بر این ها وی از واژگان و اصطلاحات و ترکیباتی استفاده کرده است که خاص قرن پنجم بوده و امروزه کاربرد کمتری دارند. بنابراین مطالعه و درک مضامین شعری او محتاج به داشتن اطلاعات وسیع و گسترده از اخبار و احادیث و تاریخ و اصطلاحات فلسفی معمول و متداول روزگار است، که شرح و توضیح اشعار او زمینه ای برای درک و فهم راحت تر آنها فراهم می کند، تا جویندگان عرصه ی سخن آسان تر به سرمنزل مقصود راه یابند.

## اهداف تحقیق

- شرح قصاید ناصر خسرو و رفع ابهام و بیان پیچیدگی های لفظی و معنوی اشعار برای درک روشن تر.
- تأثیر اندیشه های اسماعیلی در قصاید ناصر خسرو.
- تحلیل و بررسی افکار و اندیشه های فلسفی ناصر خسرو.
- بررسی زیبایی های لفظی و معنوی و صور خیال اشعار ناصر خسرو.
- بررسی ویژگی های سبکی شعر ناصر خسرو.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

ادبیات و مخصوصاً شعر، یکی از عوامل انتقال فرهنگ از نسلی به نسل‌های دیگر است. آثار شاعران و نویسندگان آینه‌ای است که نمایشگر اوضاع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تاریخی و مذهبی جامعه زمان آن‌هاست و به شناخت فرهنگ و تمدن ملت‌ها کمک بزرگی می‌کند. به همین دلیل اهمیت دادن به آثار شعرا و نویسندگان بسیار حائز اهمیت می‌باشد. ناصر خسرو شاعر گرانمایه‌ی قرن پنجم از یک سو آن‌گونه که انتظار می‌رود، مورد توجه ادبا و دانشمندان قرار نگرفته است؛ چنانکه تاکنون کار قابل توجه و بایسته‌ای در شناساندن شاعر و آثارش به ویژه دیوان او صورت نگرفته است و ناگفته خود پیداست که کار بر روی دیوان هر شاعر و حل مشکلات دیوان و توضیح لغات و ترکیبات آن، گام بسیار موثری در شناساندن آن شاعر و نویسنده خواهد بود. از سوی دیگر اشعار ناصر خسرو سرشار از اصطلاحات فلسفی، کلامی، علمی، باورهای دینی و عقاید مذهبی و دانسته‌های شاعر است؛ بنابراین خواننده‌ی اشعار ناصر خسرو، برای دریافت صحیح اشعار او نیازمند به داشتن اطلاعات وسیعی در این زمینه‌ها است و همین امر، نشان دهنده لزوم شرح اشعار ناصر خسرو است و اگر چه شروحاتی به صورت گزینشی و کوتاه برای گشایش نکات مبهم اشعار او نوشته شده است، اما همچنان نکات مبهم و سربسته‌ی بسیاری در سخن او دیده می‌شود و بسیاری از قصایدش شرح نشده باقی مانده است. در این تحقیق ۴۰ قصیده‌ی شرح نشده از دیوان ناصر خسرو، بر اساس قدیمی‌ترین نسخه خطی، مکتوب به سال ۷۳۶ به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق شرح داده می‌شود.

## پیشینه‌ی تحقیق

برزگر خالقی، محمد رضا و محمدی، محمد حسین. (۱۳۸۳). شرح دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی. تهران: زوار.

در این کتاب سی قصیده‌ی نخست دیوان به ترتیب شرح شده است این کتاب علاوه بر شرح و توضیح لغات و اصطلاحات دشوار شامل مقدمه‌ای درباره ناصر خسرو و تلفظ کلمات و درست خوانی ابیات و اشاره به آیات و احادیث می‌باشد اما شمار اندکی از ابیات به فارسی روان امروزی برگردانده شده است.

برتلس، آندره یوگنی یویچ (۱۳۴۶). ناصر خسرو و اسماعیلیان. مترجم آرین پور، یحیی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

این کتاب شامل ۵ باب به این ترتیب می‌باشد: ۱- عهد ناصر خسرو اوضاع سیاسی اقتصادی فرهنگی ۲- اسماعیلیان تا قرن یازده ۳- اسماعیلیان در عهد ناصر خسرو ۴- زندگی و فعالیت‌های ناصر خسرو ۵- روابط ناصر خسرو با اسماعیلیان و عقاید ناصر خسرو.

پیشاوری، ادیب (۱۳۶۳). شرح مشکلات دیوان ناصر خسرو. اصفهان: سهروردی.

در این کتاب بعضی مواضع مبهم و مشکل دیوان ناصر خسرو به معرض بحث و بررسی آورده شده و در تصحیح و توضیح آن کوشیده اما ذوق و سلیقه را در کار دخیل کرده و خالی از خطا نیست و از نظر علمی ضعیف به نظر می رسد.

شعار. جعفر (۱۳۸۵). گزیده اشعار ناصر خسرو. تهران: قطره

در این کتاب به شرح ۴۲ قصیده ناصر خسرو پرداخته شده به این ترتیب که ابتدا مقدمه ای درباره احوال و آثار ناصر خسرو و دیدگاه های بزرگان و ادیبان آورده شده و سپس به شرح قصاید و لغات و اصطلاحات فلسفی و کلامی پرداخته شده است قبل از شرح هر قصیده توضیحی کوتاه پیرامون پیام و محتوا و نکات قابل توجه آن قصیده آمده است.

شیر زمان، فیروز (۱۳۷۱). فلسفه اخلاقی ناصر خسرو و ریشه های آن. اسلام آباد: بی نا کتاب شامل سه بخش است که در بخش نخست به تاریخچه فلسفه اخلاق اسلامی و تعریف فلسفه اخلاق و عقاید دانشمندان پرداخته شده است در بخش دوم به فلسفه اخلاقی ناصر خسرو و حکمت نظری پرداخته شده و بخش سوم درباره حکمت عملی ناصر خسرو بحث می کند.

محقق، مهدی (۱۳۶۸). تحلیل اشعار ناصر خسرو. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. این کتاب دارای چهار فصل است که در فصل اول به اقتباس از آیات فصل دوم مضامین احادیث فصل سوم لغات دیوان فصل چهارم امثال و حکم و تشبیهات و کنایات پرداخته شده است همچنین ۵ پیوست دارد که شامل ۱- سخنی چند درباره ناصر خسرو ۲- مسئله علوی بودن ناصر خسرو ۳- توضیح یک بیت ۴- چهره دینی و مذهبی در دیوان ۵- سبک ناصر خسرو

محقق، مهدی (۱۳۷۲). شرح سی قصیده از ناصر خسرو قبادیانی. تهران: توس این کتاب شامل مقدمه ای درباره ناصر خسرو و شرح و توضیح لغات و اصطلاحات دشوار قصاید می باشد. در این شرح به تلمیح ابیات به آیات و احادیث توجه شده است اما سایر آرایه های ادبی مورد توجه قرار نگرفته اند.

محقق، مهدی (۱۳۸۸). شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی این کتاب در دو جلد منتشر شده است که در هر جلد ۵۰ قصیده ناصر خسرو شرح داده شده است. و تلمیح و اشاره به آیات و احادیث مورد توجه قرار گرفته شده این کتاب جدی ترین اثر در شرح اشعار ناصر خسرو به شمار می رود که با این حال خالی از ایراد نیست و در شرح برخی ابیات تعمق و ژرف نگری نشده است.

درگاهی، محمود (۱۳۷۸). سرود بیداری. تهران: امیرکبیر این کتاب شامل مقدمه ی نسبتا بلند درباره زندگی اندیشه افکار نقد شعر و... ناصر خسرو می باشد حدود ۴۰ قصیده شرح داده شده و در شرح ابیات، لغات و اصطلاحات دشوار توضیح داده شده و معنی بیت به فارسی روان امروزی برگردانده شده است در برخی ابیات به آرایه های ادبی و تلمیحات توجه شده است.

دشتی، علی (۱۳۶۲). تصویری از ناصر خسرو. تهران: جاویدان این کتاب شامل ۱۳ فصل درباره شرح احوال عقاید سروده ها شیوه سخن سرایی اخلاق تحولات فکری حکمت تاویلات ناصر خسرو و مقایسه او با شاعران دیگر و منتخبی از اشعار این شاعر بزرگ است و در مجموع از کتب مفید در شناخت ناصر خسرو از ابعاد گوناگون می باشد.

یوسفی، محمد رضا (۱۳۸۹). از قبادیان تا یمگان. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی  
در این کتاب سی قصیده ناصر خسرو با تکیه بر تلمیحات و آیات و احادیث شرح شده است. و در برخی موارد  
معنی بیت به فارسی روان برگردانده شده است همچنین مقدمه ای کوتاه درباره افکار و عقاید و احوال ناصر  
خسرو آورده شده است و متن کامل سفرنامه را هم شامل می شود.  
وزین پور، نادر (۱۳۷۵). برگزیده و شرح آثار ناصر خسرو. تهران: فرزانه  
شامل مقدمه ای در زندگانی احوال افکار و آثار و گزیده ای از سفرنامه زادالمسافرین وجه دین خوان الاخوان و  
شرح ۷ قصیده از ناصر خسرو که ابتدا معنی لغات و اصطلاحات با توجه به فرهنگ لغت ها آورده شده و سپس  
بیت به فارسی روان برگردانده شده است.

### پایان نامه ها:

بکانکهریزی، صفر (۱۳۷۵). شرح بیست و پنج قصیده از قصاید ناصر خسرو. دکتر امین پاشا اجلالی. دانشگاه  
تبریز.  
بیدختی، فاطمه (۱۳۷۳). شرح لغات و ترکیبات و تعبیرات در اشعار ناصر خسرو. دکتر محمد مهدی  
ناصر. دانشگاه آزاد بیرجند.  
پارسایی، حسین (۱۳۷۳). شرح سی قصیده فلسفی-کلامی ناصر خسرو. دکتر جعفر شعاریان مقاری. دانشگاه  
آزاد تهران.  
شعبانی، رمضان (۱۳۷۳). فرهنگ واژگان دیوان ناصر خسرو بخش اول از حرف آ تا ش. دکتر موید. دانشگاه  
شیراز.  
گلعلی پور، بهرام (۱۳۷۷). فرهنگ لغات و اصطلاحات دیوان ناصر خسرو. دکتر علی محمد سجادی. دانشگاه  
شهید بهشتی.  
مقاله:

نوریان، مهدی (۱۳۸۲). برخی دشواری های متن دیوان ناصر خسرو. نامه پارسی. شماره ۲۹. صفحه ۲۸۷-۲۷

### روش تحقیق

روش تحقیق این پایان نامه، کتابخانه ای است. در آغاز، در مورد مذهب اسماعیلیه و سیر تحول آن و جایگاه  
ناصر خسرو در تبلیغ این مذهب، مطالعه و بررسی صورت می گیرد، سپس به مطالعه قصاید دیوان و انتخاب ۴۰  
قصیده شرح نشده، برپایه کهن ترین نسخه خطی، مکتوب به سال ۷۳۶ پرداخته می شود و با استفاده از  
فرهنگ لغات و کتب و مقالات معتبر، به شرح و توضیح معنی ابیات، می پردازیم و نیز افکار و اندیشه های فلسفی  
، کلامی، مذهبی و جهان بینی شاعر را مورد مطالعه قرار می دهیم و در گام بعدی با استفاده از صنایع لفظی  
و معنوی و صورخیال، زیبایی های شعری قصاید را بررسی می کنیم.

# فصل دوم

## ناصر خسرو و اسماعیلیه

### ۲-۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی و دینی قرن ۵ هجری

قرن پنجم هجری، دوره‌ی پر اضطرابی است که از برافتادن حکومت غزنوی در خراسان و انقراض سلسله‌های ایرانی نژاد در عراق و فارس و کرمان و طبرستان، آغاز می‌شود و با چیرگی‌های پیاپی قبایل و غلامان ترک بر ایران همراه است. این دوره را در حقیقت باید دوره‌ی حکومت ترک‌ها در ایران دانست و همین سلسله‌های ترک است که ایرانیان آن روزگار را از اندیشه‌های بلند پیشین که درباره‌ی استقلال و ملیت خود داشتند، دور و برای اطاعت از هر قوم، چه وحشی و چه متمدن و هر کس، چه غلام فرومایه و چه شاهزاده‌ی بلند پایه، آماده کرد. «تعداد غلامان و کنیزکان ترک از خلخی و تاتار و غز و قفچاق و یغما و تبتی و چگل و جز آن در این عهد بسیار بوده و همه جا را از دربارهای پادشاهان و امیران و دستگاه‌های وزیران و رجال، تا خانه‌های اکابر و اشراف و متمکنین، فرو گرفته بودند و بیشتر نفوذ آن‌ها در دستگاه‌های دولتی بود که برای جنگ و اخذ مالیات و عوارض و نظایر این کارها مورد استفاده قرار می‌گرفتند» (صفا، ۱۳۸۶: ۱۶۸) این غلامان، در دستگاه‌های دولتی، به تدریج به مراتب بالا، از جمله حاجبی سلطان و امارت سپاه می‌رسیدند و پس از به دست آوردن نیروی کافی، بر سلطان خروج می‌کردند و بسیار اتفاق می‌افتاد که به حکومت می‌رسیدند.

تسلط قبایل و غلامان ترک، بر قلمرو فرهنگی ایران نتایج گوناگون داشت و بر روی هم موجب تغییرات عظیمی در اصول عقاید سیاسی و اجتماعی ایرانیان شد. ترکان مردمی متعصب در عقاید و در نشر مذهب خود سخت گیر و نسبت به کسانی که با عقایدشان همراهی نداشتند، بد رفتار بودند. به همین سبب با تسلط آن‌ها، سیاست دینی خاصی در ایران رایج شد و این امر به تقویت علمای شرع و آزار مخالفان آن‌ها، خاصه پیروان معتزله و شیعیان اسماعیلیه و اثنی عشری کشید. البته ترکان با همه‌ی تظاهر به دینداری، مردمی فاسد و شراب خوار و خون ریز بودند؛ تجاوز به نوامیس مردم مطلب مهمی در پندار آنان نبود، ظلم و بیدادگری پیشه‌ی ایشان بود و از این روی، در آثار نویسندگان و شاعران این دوره سخنان انتقاد آمیز بسیار، در مذمت ترکان و مفاسدشان و نیز در بدگویی از رفتار سلاطین و امرا، که غالباً از میان همین غلامان و قبایل ترک بودند ملاحظه می‌کنیم.

محمود غزنوی، نخستین کسی از سلاطین ایران است که شروع به آزار مخالفان مذهبی خود کرد و امامان معتزلی و فیلسوفان و رافضیان و قرمطیان و باطنیان را هر جا که به چنگ آورد، کشت. ترکمانان سلجوقی و دیگر

طوایف ترک یا غلامان امارت یافته ی آنان، نیز عادات بر مذهب اهل سنت و به حکم سادگی طبع، مردمی خرافی و متعصب بودند که بعد از غلبه بر ایران و تشکیل حکومت، همین سیاست را دنبال کردند و در قتل و آزار شیعیان به ویژه شیعه ی اسماعیلی مبالغه کردند. ظاهر امر در این راه، اظهار اعتقاد به تسنن بود ولی حقیقت، آن بود که غلامان و قبایل ترک از غزنویه به بعد به سبب آن که از نژاد ایرانی نبودند و نسب سازی آنان نیز در اعتقاد نژادی ایرانیان به امر سلطنت موثر نبود، ناگزیر به طرف سیاست مذهبی اسلام می رفتند و اظهار می داشتند که ریاست به نژاد نیست، بلکه به تقوا و اجرای احکام الهی است. پس می کوشیدند که به اجرای احکام دینی، تظاهر کنند تا استحقاق خود را در حکومت بر مسلمانان ثابت نمایند. اما علت دیگر این سخت گیری ها ترس غزنویان است از قدرت دیالمه ی آل بویه که شیعی مذهب بودند. همچنین سلاجقه هم که جای دیلمیان را در عراق عجم و جبال و طبرستان و فارس و عراق عرب گرفته بودند، همواره از شیعیان این نواحی بیمناک بودند و در قلع و قمع آنان می کوشیدند و خلفای فاطمی مصر را، که در دوران سلاجقه ی بزرگ، نهایت قدرت را داشتند، دشمنان بزرگ خود می شمردند و اسماعیلیه ی ایران را کارگزاران آن ها می دانستند و آنان را هر جا می یافتند، می کشتند. با تمام این احوال، تشیع در این عهد در حال توسعه و تعصبات میان اهل سنت و تشیع نیز به شدت چه در آثار منظوم و مکتوب و چه در مراحل اجتماعی رایج بود. از میان فرق شیعه در این دوره دو فرقه ی شیعه ی اسماعیلیه و فرقه ی شیعه ی اثنی عشریه نیرومند تر بودند.

## ۲-۲- اسماعیلیه

ناصر خسرو، از معتقدان آیین اسماعیلیه، یعنی شیعه ی هفت امامی است و در میان شاعران، از معدود کسانی است که مذهب و آیین ویژه ای دارد و با شور و تعصب تمام، از این آیین و پیشوایان و امامان آن، جانبداری می کند و با لحنی پرشور آنها را می ستاید و در برابر مخالفان، با همه ی آزاد اندیشی و درنگ ورزی که در زمینه ی دین داری نشان می داد، گاه در انتقاد های خود جانب نرمی و متانت را فرو می گذارد. به عنوان مثال: دشمنان علی (ع) را مورد انتقاد قرار می دهد و آنها را (خر) خطاب می کند:

شیر خدای بود علی، ناصبی خر است زیرا همیشه می برمد خر ز هیبتش (۳۰/۸۲)

برای درک اندیشه ها و عقاید ناصر خسرو، شناخت اجمالی از تاریخچه ی مذهب اسماعیلیه ضروری به نظر می رسد. در اینجا به مختصری از آن بسنده می کنیم:

«در سراسر تاریخ اسماعیلیه، دوره ی اولیه و نخستین آن، مبهم ترین و تاریک ترین دوره ی آن است. این دوره از ریشه های نخستین نهضت در نیمه قرن دوم/هشتم شروع می شود و تا استقرار خلافت فاطمیان در ۹۰۹/۲۹۷ یعنی تقریباً یک قرن و نیم ادامه می یابد. دشواری های ویژه ی تحقیق درباره ی اسماعیلیان نخستین، تا حدی از نایابی و کمبود اخبار صحیح در باب تشیع، در اوایل دوره ی عباسیان سرچشمه می گیرد؛ در این دوره دو فرقه ی اصلی شیعه یعنی اسماعیلی و اثنی عشری که در حال شکل گیری بودند، اغلب اوقات،



به شدت تحت تعقیب و آزار قرار داشتند و در نتیجه به تقیه و بر سر بردن در خفا توسل می جستند. « (دفتری، ۱۳۷۳: ۱۰۹) اسماعیلیان نخستین، به علت آنکه در احوال نامساعد و متخاصمی می زیستند ادبیات متنابهی به وجود نیاوردند و بیشتر ترجیح دادند که عقاید خویش را به طریق شفاهی تبلیغ کنند. کشف مجدد آثار اسماعیلی در دوران جدید، این گمان را تایید می کند. «به هر حال باروری ادبیات اسماعیلی به میزان وسیع تر، وقتی آغاز شد که فاطمیان بر مسند خلافت نشستند و مؤلفان وداعیان بزرگ اسلامی، به فعالیت پرداختند» (همان، ص ۱۱۰)

آغاز تاریخ اسماعیلیه به عنوان یک نهضت مستقل به مشاجره و بحث بر سر جانشینی امام جعفر صادق (ع) باز می گردد بنابر بیشتر منابعی که در اختیار ماست امام جعفر صادق (ع) فرزند خود، اسماعیل را از طریق نص، به جانشینی خود برگزید. در صحت و درستی این تصمیم و قرار دادن نصّ امامت به نام اسماعیل که اساس و شالوده اسماعیلیان را تشکیل می دهد، جای هیچگونه شک و تردیدی نیست. و این نصّ می بایست در جای و زمان خود، هر گونه مشاجره ای را در مورد جانشینی امام فرو می نشاند. اما چنانکه در اکثر منابع آمده است اسماعیل، در زمان حیات پدرش در گذشت و مرگ او پرسش هایی در ذهن برخی از پیروان امام جعفر صادق (ع) برانگیخت؛ مردم نمی توانستند درک کنند که چگونه امامی که مهتدی بالله است در امر خطیری همچون نص امامت مرتکب خطا و اشتباه شود. گروهی از این شیعیان امامی، که بر علم و امامت جعفر صادق شک کرده بودند، در همان زمان حیات امام ازو جدا شدند. «پس از رحلت امام جعفر صادق در سال ۱۴۸ ق گروهی از پیروان آن حضرت از شیعیان امامی جدا شدند و گفتند که اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق (ع) که در سال ۱۳۳ قمری در گذشت امام است. آنان مرگ اسماعیل را منکر شدند و معتقد بودند که امام صادق (ع) صرفاً برای حفظ جان اسماعیل از دست عمال عباسی مرگ فرزندش را اعلام کرده است. پس در انتظار رجعت او باقی ماندند. گروهی از مؤلفان، اینان را اسماعیلیه (خالصه) و گروهی دیگر (واقفه) می نامند. گروه دیگر مرگ اسماعیل بن جعفر در زمان پدرش را پذیرفتند و فرزند ارشد اسماعیل، محمد را به امامت شناختند. به این گروه (مبارکیه) می گفتند» (طاهری مبارکه، ۱۳۸۲: ۴) «درباره محمد بن اسماعیل هفتمین امام اسماعیلیه اطلاعات چندانی در دست نیست. او اندکی پس از ۱۴۸ ق / ۷۶۵ م که اکثر شیعیان امامی حصرت موسی کاظم را به امامت شناختند، از محل سکناى خانوادگی خود -مدینه- به عراق مهاجرت کرد و زندگی پنهانی خود را آغاز نمود. به همین سبب به (مکتوم) شهرت یافت. این مهاجرت مبدا (دوره ی ستر) در تاریخ اسماعیلیان نخستین است، که تا هنگام تأسیس خلافت فاطمیان و ظهور امام اسماعیلی به طول انجامیده است.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۹: ۶۸۱)

به تمام گروههایی که پس از امام جعفر صادق به امامت اسماعیل اعتقاد داشتند به طور عام (اسماعیلیه) می گویند. آنچه مسلم است اسماعیل پایه گذار این مذهب نیست بلکه به پیروان او اسماعیلیه می گویند. از میان کسانی که مرگ اسماعیل را پذیرفته بودند و می گفتند: محمد پسر اسماعیل امام هفتم است و به مهدویت او اعتقاد داشتند و تحت رهبری حمدان قرمط در انتظار رجعت او ماندند، اصلاحات مرکزیت فرقه به رهبری عبیدالله مهدی نپذیرفتند و به (قرامطه) مشهور شدند.

پیروان اسماعیلی، تا قبل از خلافت فاطمی تشکیلات سیاسی - مذهبی منظمی نداشتند. از همین رو در سرزمین های مختلف، به طور پراکنده می زیستند و به منظور حفظ جان خود، ناچار از مخفی کاری و تقیه

بودند و همین امر سبب شد، افسانه‌ها و دریافت‌های نادرست درباره تعالیم و اعمال آنها شایع شود و ابهامات فراوانی در پیش روی محققان قرار گیرد.

«منسوب کردن اسماعیلیان به مزدکیان و زرتشتیان یا انتساب آن‌ها به یهود، از سوی القادر بالله، بیست و ششمین خلیفه عباسی بیانگر استمرار خصومت حاکمان عباسی، حتی پس از تشکیل دولت فاطمی می‌باشد» (گروه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴: ۴۰۲) عباسیان که به حق، این فرقه را رقیب سرسخت سیاسی - مذهبی خود می‌دانستند؛ از همان ابتدا برای از بین بردن آنها از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند، اما با همه این تلاش‌ها فاطمیان موفق شدند قسمت‌های زیادی از بخش غربی مناطق تحت نفوذ عباسی را از چنگ آنان خارج کرده، دولت مستقلی تأسیس کنند. «دوره فاطمی را اغلب به (عصر طلایی) اسماعیلیه وصف کرده‌اند. طی همین دوره تفکر و ادبیات اسماعیلی به اوج اعتلای خود رسید... با پیروزی فاطمیان، امام اسماعیلی قدرت عباسیان و تفسیر اهل سنت از اسلام را به چالش خواند و تعبیر شیعی خود را از اسلام رسماً عرضه داشت. اینک مذهب اسماعیلی نیز مکان خود را در میان جوامع تفسیری دولت‌مدار در جهان اسلام پیدا کرده بود» (همان، ص ۱۷) در این شرایط اسماعیلیان برای اولین بار در تاریخ خود می‌توانستند بدون ترس از تعقیب و آزار در محدوده قلمرو فاطمیان طبق موازین دینی خود عمل کنند، در حالی که پیش از آن مجبور به تقیه بودند.

خلفا و امامان فاطمی پس از رسیدن به قدرت، سازمان دعوت و شبکه‌ی داعیان خود را که هم در داخل و هم در خارج قلمرو فاطمیان به فعالیت مشغول بودند، حفظ کردند. «فاطمیان همچنین نهادهای علمی و تعلیمی خاصی را برای تربیت داعیان و آموزش اسماعیلیان عادی برپا داشتند، که از آن میان می‌توان از موسسه دارالعلم و مجالس درسی که برای تعلیم اصول عقاید اسماعیلیه یعنی حکمت بود و به مجالس الحکمه شهرت یافت نام برد. داعیان اسماعیلی که به عنوان متکلم تعلیم می‌یافتند، در عین حال عالمان و مولفان جامعه خود نیز بودند و متون متقدم ادبیات اسماعیلی را در موضوعات متنوع ظاهری و باطنی، از تاریخ‌نگاری و زندگی‌نامه گرفته تا رسالات جامع کلامی و فقهی و فلسفی پدید آوردند. همچنین بعضی از داعیان دوره‌ی فاطمی، کلام اسماعیلی را با سنت‌های مختلف فلسفی، از جمله فلسفه‌ی نو افلاطونی، در آمیختند و نظام‌های فکری پیچیده‌ی مابعدالطبیعی با عقاید جهان‌شناسی متفاوتی پدید آوردند. این داعیان سرزمین‌های ایرانی مانند ابو یعقوب سجستانی، حمیدالدین کرمانی و بالاخره ناصر خسرو، از زمان محمد نسفی شروع به تالیف رسالاتی برای طبقه فرهیخته جامعه کرده بودند، با این هدف که آنها را از لحاظ فکری به سوی مواضع دعوت خود جذب کنند.» (همان، ص ۱۸، ۱۹)

فاطمیان از آغاز حکومتشان این آرزو را در سر می‌پروراندند، که سلطه‌ی خود را بر سراسر دنیای اسلام بگسترانند. اما عاجل‌ترین هدف آنها هر آینه، برانداختن عباسیان بود، که بارزترین دشمنان آنها بودند. «اولین گام در جهت اقدامات ضد عباسی آنها که می‌بایست در نهایت، به گسترش حکومتشان بر سرزمین‌های شرقی عالم اسلام بینجامد، گرفتن ایالت مصر از خلفای عباسی بود؛ همچنین آنها برای آنکه بر سرزمین‌های ساحل شرقی مدیترانه دسترسی داشته باشند، شهر مهدیه را در ساحل شرقی آفریقه بنا و پایتخت خود را از قیروان به آنجا منتقل کردند» (دفتری، ۱۳۷۶: ۱۸۱)

در نهایت، جامعه‌ی یکپارچه‌ی اسماعیلی روزگار فاطمیان در سال ۴۸۷ق/۱۹۰۴م به دو شاخه‌ی متخاصم

مستعلویه و نزاریه تقسیم شد. این انشقاق بر سر جانشینی خلیفه و امام فاطمی، المستنصر بالله، که در آن سال در گذشت، رخ داد. «المستنصر هرگز نص امامت و خلافت را از فرزند بزرگش نزار که به جانشینی خود منصوب کرده بود نگرفته بود اما برادر کوچک نزار با دسیسه‌ی وزیر قدرتمند فاطمی، افضل، با لقب المستعلی بالله بر مسند خلافت فاطمی نشاند. امامت مستعلی را نیز دستگاه دعوت در قاهره و نیز اسماعیلیان جوامع مصر و یمن و غرب هندوستان، به رسمیت شناختند» (گروه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴: ۲۰، ۲۱) نزاریان نیز در دوران حکومت حسن صباح و جانشینان او در الموت مشغول فعالیت‌های انقلابی خود شدند در نتیجه جامعه‌ی نزاریان ایران متکلمان و فقهای زیادی به بار نیاورد، که در خور مقایسه با دوره‌ی فاطمی باشد، اما علی‌رغم شرایط نامساعد، در قلاع خود از علم و دانش حمایت می‌کردند و بعضی از مسائل کلامی کماکان، در کانون تفکر آنان در دوره‌ی الموت قرار داشت، «آنها از آغاز همچنان بر نظریه‌ی امامت تاکید می‌ورزیدند، که در چنین اوضاع و احوالی برای خارجیان این ادراک پیدا شد که نزاریان دعوت جدیدی در مقابل دعوت قدیم دوره‌ی فاطمی آغاز کرده بودند. اما این دعوت جدید، در واقع همان عقیده‌ی متقدم شیعه به امامت بود که اکنون در قالب جدیدی ارائه شده بود و به نام نظریه‌ی تعلیم خوانده می‌شد. بدین ترتیب، اسماعیلیه به عنوان یک جامعه‌ی شیعی که نظریه‌ی امامت، محور اصلی تعلیمشان بود، پدیدار گشتند و این نظریه شالوده‌ی سنت‌های مختلف عقلانی و ادبی‌ای را که آنان در سراسر تاریخ پر حادثه‌ی خود در قرون وسطی پرداختند، تشکیل می‌داده است.» (همان، ص ۲۴)

آنچه ما اکنون درباره‌ی تاریخ و اصول عقاید اسماعیلیه می‌دانیم، تا چند دهه‌ی قبل دانسته نبود، زیرا اسماعیلیان تقریباً منحصرأ، بر مبنای منابع و شرح‌هایی مورد بررسی قرار می‌گرفتند، که غیر اسماعیلیانی که اغلب نسبت به آنها نظریات دشمنانه‌ای داشتند، نوشته بودند در چنین شرایطی افسانه‌ها و اتهامات نادرست گوناگونی نیز درباره‌ی اسماعیلیه رواج پیدا کرده بود. دستگاه خلافت عباسی که اصلی‌ترین دشمن اسماعیلیان محسوب می‌شد، به سلسله اقداماتی پرداخت که به تبلیغات رسمی و گسترده‌ی ضد اسماعیلی منجر گردید. هدف از این برنامه تبلیغاتی آن بود که نهضت اسماعیلیه را از سرچشمه‌ی آن از اعتبار ساقط کنند، که البته ملل و نحل نویسان، متکلمان، فقها و تاریخ نگاران به گونه‌های مختلف در تبلیغات ضد اسماعیلی شرکت داشتند. به طور خلاصه، نویسندگان اهل سنت با پخش اتهامات و جعلیات ضد اسماعیلی خود، «تدریجاً طی قرن چهارم ق/دهم م افسانه‌ی سیاهی درباره‌ی اسماعیلیه خلق کردند. طبق این افسانه مذهب اسماعیلی یک کیش الحادی بود که به دست عده‌ای از شیادان غیر علوی و یا احتمالاً یک جادوگر یهودی که به جامعه‌ی مسلمانان در آمده بود طراحی شده بود تا دین اسلام را از درون متلاشی کند. این افسانه بعد از آنکه از نسلی به نسل دیگر منتقل شد و مشروعیت یافت، به عنوان توصیف درست و قابل اعتمادی از انگیزه‌ها و عقاید الحادی اسماعیلیان پذیرفته شد و منجر به نوشته‌های ضد اسماعیلی بیشتری گردید.» (همان ص ۲۵)

## ۲-۳- شرح احوال و زندگی ناصر خسرو

«حکیم ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی مروزی، ملقب و متخلص به حجت خراسان، در ماه ذیقعده سال ۳۹۴ مطابق با تیر یا مرداد ۳۸۲ ش در قبادیان، از نواحی بلخ، تولد یافت. خانواده اش از کارگزاران حکومت و صاحب ضیاع و عقار بودند.» (گروه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴: ۴۰۶) وی شاعر، متکلم، فیلسوف، حکیم، جهانگرد و حجت خراسان بود؛ علوم متداول زمان را در جوانی آموخت و روشی منطقی، در سخن و ذوقی سلیم، در شعر و ذهنی تند، در درک مسائل داشت و در دبیری و سخن پردازی و فن خطابت مایه دار بود.

از همان جوانی، به درگاه سلاطین و امرا راه یافت و در دربار محمود و مسعود و مدتی بعد در دربار چغری بیگ سلجوقی، خدمت دیوانی کرد و به مراتب عالی دبیری رسید و مانند اقران خود از مال و مکنات دنیا برخوردار گشت؛ عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه‌ی خطیر خطاب می کرد:

دستم رسیده بر مه ازیرا که هیچ وقت بی من قدح به دست نگیرد همی امیر

پیش وزیر باخطر و حشمتم بدانک میرم همی خطاب کند خواجه‌ی خطیر (۱۲/۴۶)

اما میل به حقیقت جویی و خوابی که ناچار مقدمات ذهنی قبلی داشت، او را بر آن داشت تا از شغل دیوان و نعمت الوان، کناره جوید و در جستجوی حقیقت، از شهری به شهری برود و با صاحبان مذاهب گوناگون به گفتگو بپردازد؛ او پس از سفرهای بسیار، سرانجام به قاهره رسید و با مبلغان مذهب فاطمی آشنا شد و نفوذ سخن آنان، خاصه داعی مستقیم او، المویدفی الدین داعی الدعاه شیرازی و آمادگی روحی او موجب گرویدن به آن مذهب گردید و چون در ادب فارسی و عربی توانا و بر علوم عقلی و نقلی زمان خود مسلط بود، از طرف المستنصر بالله، هشتمین خلیفه‌ی فاطمی مصر مامور تبلیغ ناحیه‌ی خراسان گشت و به لقب روحانی حجت جزیره‌ی خراسان ملقب گردید.

درباره‌ی این عنوان باید گفت: اسماعیلیان در آیین خود به مراتب هفتگانه‌ی معتقدند؛ آنها کسی را که تازه به کیش ایشان در آید، مستجیب و آن را که در طریق ایشان راسخ شده و اجازه‌ی سخن گفتن می یافت، مأذون می گفتند؛ چون به درجه‌ی دعوت می رسید، داعی، می خواندند و چون به ریاست داعیان ارتقا می یافت، حجت، نام می گرفت یعنی گفتار او حجت خداست، بر خلائق؛ چون مرتبت ولایت می یافت و از معلم بی نیاز می گشت، امام خوانده می شد؛ پس از مرتبه‌ی امامت به مقام وصایت و اساس می رسید و در آخرین مرتبه، مقام ناطق را می یافت. هر امامی دوازده حجت داشت که چهار تن از آنان همواره ملازم خدمت او بودند و هفت تن دیگر مأمور اقالیم هفت گانه بودند. چنان که پیداست مقام ناصر خسرو در این مذهب مقام برجسته و قابل توجهی است.

«این که او پیش از گرایش به مذهب اسماعیلی چه مذهبی داشته است، مشخص نیست؛ محققانی همچون ایوانوف و کرین، معتقدند که وی پیش از عزیمت به مصر، مذهب اثنی عشری داشته اما از اشارات مختلف خود او برمی آید که قبل از سفر به مصر پیرو یکی از مذاهب رایج در خراسان بوده است.» (گروه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

او در سال ۴۴۱ ق، به قصد بازگشت به وطن خویش، به سمت ایران حرکت کرد و سرانجام پس از عبور از شهرهای مختلف، که به تفصیل در سفرنامه از آن یاد می کند، ضمن پرهیزکاری و عبادت خدا با سعی و کوشش